

امام مهدی (ع) وارث پیامبران

حسن جلالیان

دانش‌های پیشین است و این علوم برای حرکت عظیمی که آن بزرگوار قصد انجامش را دارد لازم است؛ زیرا آن کس که موعود تمام ادیان توحیدی و غیر توحیدی است و قرار است عالی‌ترین حکومت روی زمین را بر مبنای عدل، قسط و دین خدا اقامه کند و وعده خدا را در روی زمین تحقق بخشد، باید تمام علوم و دانش‌ها را همراه خود داشته باشد.

آن بزرگوار، انسان کامل و مطلق در جهان هستی است که ما چشم به انتظار ظهورش دوخته‌ایم و امید است که توفیق دیدارش را در ظهور ملکوتی‌اش نظاره‌گر باشیم.

روایتی دیگر از وجود مبارک امام باقر(ع) در این خصوص نقل شده است که فرمود:

رسول خدا(ص) فرمودند: به‌درستی نخستین وصی در روی زمین، هبة‌الله، پسر آدم(ع) بود و پیامبری درنگذشت مگر اینکه وصی داشت. همه پیامبران یکصد و بیست هزار بودند که پنج نفر آنها اولوالعزم‌اند؛ نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد(ع)؛ و به‌راستی علی بن ابی‌طالب(ع)، هبة‌الله برای محمد(ص) بوده، علم همه اوصیا و پیشینیان خود را به ارث برده است و محمد(ص) علم همه انبیا و مرسلین پیش از خود را به ارث برده است.^۳

امام مهدی (ع) وارث اسم اعظم

وجود مبارک امام عصر(ع) که آخرین وصی الهی و ذخیره تام و کامل انبیای سلفه، خصوصاً جد بزرگوارش پیامبر اکرم(ص) و اوصیای قبل از خود - یازده امام(ع) -

امام مهدی(ع) که راهنمای امت است، همه علوم انبیا و ائمه پیش از خود را به تمامی، به ارث برده و میراث‌دار جمیع دانش‌ها است.

در این باب احادیثی از ائمه معصومین(ع) وارد شده است که اثبات می‌نمایند همه علوم و دانش‌هایی که در نزد پیامبران الهی و ائمه معصومین بوده، به آخرین حجت الهی و دوازدهمین وصی پیامبر(ص) رسیده و حضرت مهدی(ع) وارث علوم انبیا و ائمه(ع) است.

برای نمونه چندین حدیث که مؤید این موضوع است را ذکر می‌کنیم. امام باقر(ع) فرمود:

علمی که با حضرت آدم(ع) نازل شد، برداشته نشد و علم به ارث می‌رود. علی(ع) عالم این امت بوده و حق این است که از خانواده ما هرگز عالمی نمیرد مگر آنکه کسی از اهلش که مثل علم او را بداند جایگزینش گردد یا آنچه را خدا خواهد.^۱

این حدیث شریف معلوم می‌نماید آن علومی که به حضرت آدم(ع) نازل شده، از بین نرفته بلکه به‌عنوان میراث نبوت به خاتم الانبیا(ص) رسیده و از ایشان هم به ائمه دوازده‌گانه که آخرین آن بزرگواران امام مهدی(ع) است.

و در حدیثی دیگر از امام صادق(ع) وارد شده است که آن بزرگوار فرمودند:

به‌درستی، علمی که با آدم(ع) نازل شد برداشته نشد، عالمی نمرده مگر اینکه علم خود را به دیگری به ارث داده است. به راستی زمین بی عالم نمی‌ماند.^۲

وجود مبارک امام مهدی(ع) صاحب تمامی علوم و

ان هذا لفي الصحف الأولى * صحف ابراهيم و موسى.

قطعا در صحیفه های گذشته این هست * در صحیفه های ابراهیم و موسی. ابوذر روایت می کند که رسول خدا(ص) فرمود: حق تعالی بیست صحیفه بر ابراهیم فرستاد که همه حکمت ها و مثل هاست.

ابوذر گفت: آیا در قرآن چیزی از صحف ابراهیم هست؟ پیامبر فرمود: ای ابوذر بخوان این آیات را: «ان هذا لفي الصحف الأولى * صحف ابراهیم و موسی»^۶.
۳. صحف حضرت ادریس(ع)، که مشتمل بر ۳۰ صحیفه بوده است. نام این پیامبر دو بار در قرآن ذکر شده: یکبار در سوره مريم:

و اذكر في الكتاب ادریس انه كان صدیقاً نبیاً.

و در این کتاب ادریس را یاد کن که او نیز بسیار راستگو و پیامبر بود. و همچنین سوره انبیا:

و اسمعیل و ادریس و ذالکفیل کل من الصابرين.

و اسماعیل و ادریس و ذوالکفیل همه از صابران بودند.

۴. زیور حضرت داوود(ع): داود (یعنی محبوب) از پیامبران بنی اسرائیل است که نام شریفش شانزده بار در قرآن مجید در آیات زیر از سوره های بقره (۲۵۱)، نساء (۱۶۳)، مائده (۷۸)، انعام (۸۴)، اسراء (۵۵)، انبیا (۷۹، ۷۸) نمل (۱۵، ۱۶)، سبأ (۱۰، ۱۳)، ص (۲۶، ۲۴، ۲۲، ۱۷، و ۳۰) ذکر شده است.

یهودیان او را صاحب کتاب نمی شناسند و تنها سرودهای منتسب به او را مزامیر نامیده اند، ولی قرآن در سوره انبیا آیه ۱۰۵ کتاب داوود(ع) را این گونه معرفی می نماید:

ولقد كتبنا فی التورین من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحین.

و به تحقیق بعد از تورات در زیور نوشتیم که بندگان صالح از وارثان زمین خواهند شد.

و همچنین خداوند سبحان در سوره نساء آیه ۱۶۳ و در سوره اسراء آیه ۵۵ می فرماید:

... و اتینا داوود زیوراً.

در اثبات این مطلب که صحف ابراهیم و موسی همان الواح است و به دست مبارک پیامبر(ص) رسیده است، روایتی را از اصول کافی نقل می کنیم:

ابوبصیر می گوید امام صادق(ع) به من فرمود: ای ابامحمد، خدای عزوجل چیزی به پیغمبران عطا نفرموده، جز آنکه آن را به محمد(ص) عطا فرمود و همه آنچه را که به پیغمبران داد به محمد(ص) نیز

است، اسم اعظم را به ودیعت گرفته و وارث اسم اعظم است. در این زمینه احادیثی وارد شده، که ما در این بخش به چند حدیث اشاره می کنیم.

امام صادق(ع) فرمودند:

عیسی بن مریم دو حرف از اسم اعظم را داشت و با آن دو حرف کار می کرد و موسی بن عمران چهار حرف داشت و ابراهیم دارای هشت حرف بود و به نوح پانزده حرف و به آدم بیست و پنج حرف داده شد و خداوند همه آنها را برای محمد(ص) و اهل بیتش جمع کرد. اسم اعظم هفتاد و سه حرف است که خداوند به حضرت محمد(ص) هفتاد و دو حرف داده است.^۴

این حدیث روشن می کند که اسم اعظم الهی هم جزء موارث انبیا و ائمه سلف(ع) است و در حال حاضر نزد امام مهدی(ع) است تا آن را هم در حال حاضر و هم در هنگام ظهور و قیامش مورد استفاده قرار دهد.

در حدیث دیگری امام باقر(ع) فرموده اند:

اسم اعظم خدا، هفتاد و سه حرف است و تنها یک حرف آن نزد آصف [برخیها] بود و آصف آن یک حرف را گفت و زمین میان او و تخت بلقیس شکافته شد تا او تخت را به دست گرفت، سپس زمین به حالت اول بازگشت و این عمل در کمتر از چشم برهم زدن انجام شد و ما هفتاد و دو حرف از اسم اعظم را داریم و یک حرف هم نزد خداست که آن را در علم غیب برای خود مخصوص ساخته است و لا حول و لا قوة الا بالله.^۵

بنابراین روشن شد که یکی از موارثی که نزد امام مهدی(ع) است اسم اعظم است که از حضرت آدم(ع) تا خاتم(ص) و از ایشان تا امام یازدهم و از ایشان هم به وجود نازنین حضرت حجت ابن الحسن العسکری(ع) رسیده است.

امام مهدی(ع) وارث صحف انبیا(ع)

یکی دیگر از موارث سلف که در نزد امام عصر(ع) است، صحف انبیا(ع) است و صحف به معنای قطعه های پوست است که بر روی آن نوشته های باشد و این معنای لغوی صحف است؛ ولی در اصطلاح صحف، یعنی کتاب هایی که بر انبیا پیشین نازل شده است.

در قرآن به کتاب های آسمانی صحف اطلاق شده است و یکی از نام های قرآن صحف است؛ مبین این مطلب آیه ۲ سوره بینه است که می فرماید:

رسول من الله یتلوا صحفاً مطهرةً.

پیامبری از جانب خدا کتاب های پاک می خوانند.

اما صحفی که بر انبیا(ع) نازل شده عبارتند از:

- ۱. صحفی که بر حضرت آدم(ع) نازل شده و مشتمل بر ۱۰ صحیفه بوده است.
- ۲. صحف حضرت ابراهیم(ع) که مشتمل بر ۱۰ صحیفه بوده است و در قرآن کریم می فرماید:

امام باقر(ع) فرمود: علمی که با حضرت آدم(ع) نازل شد، برداشته نشد و علم به ارث می رود. علمی(ع) عالم این امت بوده و حق این است که از خانواده ما هرگز عالمی نمیرد مگر آنکه کسی از اهلس که مثل علم او را بداند جایگزینش گردد یا آنچه را خدا خواهد

۷. قرآن

قرآن کریم که آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی است، یک بار به صورت دفعی و بار دیگر در مدت ۲۳ سال رسالت، به تدریج بر وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل شد، این کتاب، ارزشمندترین و بالاترین میراث است که وجود مبارک امام مهدی (ع) جامعهٔ زمانش را بر اساس آن می‌سازد و تمام احکام و قوانین این کتاب الهی به‌طور کامل به مرحله اجرا درمی‌آید.

این کتاب است که جامعهٔ نمونهٔ آخرالزمان بر مبنای آن ساخته می‌شود و انسان‌های آخرالزمان در جامعهٔ مهدوی شهد شیرین عدالتش را می‌چشند و تمام زوایای این کتاب الهی به منصفهٔ ظهور می‌رسد؛ و هیچ سوره و آیه‌ای از این کتاب الهی معطل و بر زمین نمی‌ماند بلکه به حقیقت و روشنی کامل پیاده می‌گردد.

در اینجا به عنوان نمونه به یک روایت در این باره، اشاره می‌کنیم. امام باقر (ع) فرمود:

جز اوصیای پیغمبر کسی نمی‌تواند ادعا کند که ظاهر و باطن تمام قرآن نزد اوست.^{۱۰}

امام مهدی (ع) وارث ودایع انبیاء (ع)

جود مبارک امام عصر (ع) علاوه بر انبیای الهی و علم انبیا و اسم اعظم، ودایع و آثار انبیای الهی را نیز به ارث برده است؛ روایات وارد شده در این زمینه گواه این مطلب است و در تواریخ و قصص نیز به آنها اشاره شده که تعدادی از آنها عبارتند از:

۱. عصای موسی (ع)

امام باقر (ع) فرمود:

«عصای موسی از آن آدم (ع) بود که به شعیب رسید و سپس به موسی بن عمران رسید. آن عصا نزد ماست و اندکی پیش نزد من بود مانند وقتی که از درختش باز شده سبز است، و چون از او سؤال شود جواب گوید و برای قائم ما - امام مهدی (ع) - آماده شده است، او (حضرت مهدی) با آن، همان کاری که موسی می‌کرد انجام دهد. آن عصا هراس‌آور است و ساخته‌های نیرنگی جادوگران را می‌بلعد و به هرچه مأمور شود انجام دهد؛ چون حمله کند هرچه را به نیرنگ ساخته‌اند، می‌بلعد و برایش دو شعبه باز می‌شود که یکی در زمین و دیگری در سقف و میان آنها (میان دو فکش) چهل زراع باشد و نیرنگ ساخته‌ها را با زبانش می‌بلعد چنان که در زمان حضرت موسی (ع) سحر ساحران را بلعید.»^{۱۱}

امام صادق (ع) فرمود:

الواح موسی (ع) (تورات) و عصای او نزد ماست و ما وارث پیامبرانیم.^{۱۲}

پیداست وقتی که عصای حضرت موسی (ع) و تورات دست به دست به حضرت صادق (ع) رسیده، بعد از ایشان نیز دست به دست به سایر ائمه رسیده تا آنکه به دست مبارک امام مهدی (ع) - که خداوند ظهورش را نزدیک گرداند - رسیده است.

عطا فرمود: و آن صحفی که خدای عزوجل (صحف

ابراهیم و موسی) می‌فرماید، نزد ماست. عرض کردم: آن صحف همان الواح است؟ فرمود: بلی.^{۱۳}

و همچنین در روایتی دیگر دربارهٔ زبور حضرت داوود (ع) و اینکه این کتاب نیز جزء موازینی است که به پیامبر اکرم (ص) و سپس به ائمه و در نهایت به دست مبارک امام عصر (ع) رسیده: می‌خوانیم.

ابن سنان از امام صادق (ع) راجع آیه: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر» پرسید که زبور چیست و ذکر کدام است؟ فرمود:

ذکر نزد خداست و زبور آنست که بر داوود نازل شد و هر کتابی که نازل گشته، نزد اهل علم است، و ما اهل علم هستیم.^{۱۴}

۵. تورات

تورات نام کتاب حضرت موسی (ع) است که به صورت الواح بر آن حضرت نازل گردید. در قرآن هیجده بار از تورات نام برده شده است، در آیات زیر از سوره‌های آل عمران (آیات ۳، ۴۸، ۵۰، ۶۵، ۹۳): مائده (آیات ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰): اعراف (آیه ۱۵۷): توبه (آیه ۱۱۱): صف (آیه ۶): فتح (آیه ۲۹): جمعه (آیه ۵).

البته تورات در اصطلاح قرآن همان تورات اصلی و تحریف نشده است و توراتی که اکنون نزد یهودیان موجود، دستخوش تحریفات گسترده‌ای شده و توحید و مقام انبیا پس از موسی به شکل زنده‌ای در آن معرفی شده است.

لذا توراتی که به عنوان یکی از موازین انبیاء (ع) نزد حضرت مهدی (ع) است همان الواح نازل شده بر حضرت موسی (ع) است و آن حضرت با آن تورات اصلی در زمان ظهورش با یهودیان عصر ظهور استدلال می‌نماید.

۶. انجیل

انجیل که در لغت به معنای «بشارت» است و در قرآن تعداد ۱۲ بار در سوره‌های آل عمران (آیات ۴۸، ۶۵، ۲)، مائده (آیات ۱۱۰، ۶۸، ۶۶، ۴۷، ۴۶)، اعراف (۱۵۷)، فتح (۲۹)، حدید (۲۷) و سوره توبه (۱۱۱) نام انجیل ذکر شده است؛ آن، کتاب حضرت عیسی (ع) است. البته منظور همان انجیل حقیقی و اصل است که قرآن آن را تأیید نموده است.

روایتی از امام صادق (ع) آمده که تأیید می‌نماید پیامبر اکرم (ص) به‌عنوان آخرین سفیر الهی، وارث جمیع کتب انبیاء (ع) بوده و تمامی آنچه به‌عنوان میراث نبوت نزد پیامبر اکرم (ص) وجود داشته، به ترتیب به ائمه (ع) رسیده است، در نهایت این موازین از جمله کتب انبیای پیشین تماماً به دست مبارک امام مهدی (ع) رسیده است.

همانا سلیمان از داوود (ع) ارث برد و محمد از سلیمان ارث برد و ما از محمد ارث بردیم. علم تورات و انجیل و همه آنچه در آن الواح بود، نزد ماست.^{۱۵}

حضرت مهدی خجّر

موسی بن عمران را با خود دارد، در هر منزلی که وارد می‌شوند از آن سنگ آبی روان خواهد شد و هر کس گرسنه و تشنه باشد از آن می‌خورد. همه سیر و سیراب خواهند شد و این حالت در تمام منزل‌گاه‌های بین راه ادامه دارد تا از پشت کوفه وارد نجف شوند

عصای موسی از آن آدم (ع) بود که به شعیب رسید و سپس به موسی بن عمران رسید. آن عصا نزد ماست و اندکی پیش نزد من بود مانند وقتی که از درختش باز شده سبز است، و چون از او سؤال شود جواب گوید و برای قائم ما - امام مهدی (ع) - آماده شده است

به موسی وحی فرستادیم
که عصای خود را بر سنگ
بزن تا گاهان دوازده چشمه
از آن بیرون جهید.

امام باقر(ع) درباره این آیه
شریفة می فرماید:

به درستی که ظهور و قیام
قائم(ع) در مکه خواهد بود،
بعد از آن به سوی کوفه حرکت
می کند و منادی ندا می دهد: ای
یاران امام زمان کسی از شما با
خود غذا و آبی حمل نکند. حضرت
مهدی حَجَر موسی بن عمران را
با خود دارد، در هر منزلی که وارد
می شوند از آن سنگ آبی روان خواهد
شد و هر کس گرسنه و تشنه باشد از آن
می خورد. همه سیر و سیراب خواهند
شد و این حالت در تمام منزل گاه های
بین راه ادامه دارد تا از پشت کوفه وارد
نجف شوند. ۱۳

چند نکته در خصوص حجر موسی(ع) لازم
است گفته شود:

الف - الف و لام حَجَر در این آیه، نشانه
معرفه است، یعنی این سنگ خاص است و
نه هر سنگی، به عنوان یکی از ودایع نبوت
به دست امام عصر(ع) رسیده است و در هنگام
ظهور و قیام حضرت مهدی(ع) این سنگ
به عنوان توشه بین راه یاران آن حضرت مورد
استفاده قرار می گیرد و احادیث مربوط مبین
این موضوع است.

ب - در زمان موسی(ع) چون قوم
بنی اسرائیل دوازده سبط بودند (بنی
روییل، بنی شمعون، بنی جاد، بنی
یهودا، بنی یساکار، بنی زبولون، بنی
یوسف، بنی بنیامین، بنی اشیر، بنی
دان، بنی نفتالی، بنی لاوی)، چون این
دوازده سبط با هم اختلاف داشتند، لذا
دوازده چشمه از آن سنگ بیرون آمد تا
هر گروهی چشمه آبی برای خود داشته
باشند اما در هنگام ظهور و قیام حضرت
مهدی(ع) چون اختلاف و تفرقه های بین
یاران امام مهدی(ع) نیست، لذا از آن سنگ
فقط یک چشمه آب بیرون خواهد آمد.

ج - در خصوص سنگ حضرت موسی(ع)
در قرآن دو بار از آن یاد شده است: سوره بقره
آیه ۶۰ که متن آن نقل شد و در سوره اعراف
آیه ۱۶۰ می فرماید:

«و قطعنهم اثنتی عشرة أسباطاً أمماً

عصای حضرت موسی چندین معجزه داشته که قرآن به
آنها اشاره کرده است:

- مار شدن عصا هنگام مبعوث شدن حضرت موسی(ع) به
پیامبری؛ در سوره قصص آیه ۳۰ می فرماید:

و أن ألقى عصاك فلما رء آها تهتّر كأنها جَانٌّ
و لى مدبراً و لم يعقب يا موسى أقبِل و لا تخف
إنك من الآ منین.

- از دها شدن عصا نزد فرعون. در سوره شعراء آیه ۳۲
می فرماید:

فألقي عصاه فاذا هي ثعبانٌ مبین.
- بلعیدن سحر ساحران توسط عصا. در سوره شعراء آیات
۴۴ و ۴۵ می فرماید:

فألقي موسی عصاه فاذا هي تلقف ما یا فکون
* فألقي السحرة ساجدين.

- زدن عصا به دریا و باز شدن راه برای نجات قوم بنی
اسرائیل. در سوره شعراء آیه ۶۳ می فرماید:

فأوحینا إلی موسی أن اضرب بعصاك البحر
فانفلق فکان کل فرقی کالطود العظیم.

- زدن عصا به سنگ و بیرون آمدن دوازده چشمه آب برای
اسباط بنی اسرائیل؛ در سوره بقره آیه ۶۰ می فرماید:

و اذ استسقى موسی لقومه قلنا اضرب بعصاك
الحجر فانبجرت منه اثنتا عشرة عیناً قد
علم...

این عصا، ابتدای امر عصای حضرت آدم(ع) بوده، سپس به
حضرت شعیب(ع) رسیده و آنگاه که موسی(ع) متواری بود و
در راه به دختران شعیب(ع) در آب کشیدن از چاه کمک نمود،
سپس به خدمت شعیب(ع) درآمد آن عصا به او رسید. در
تواریخ انبیا برای این عصا حوادث و وقایعی نقل نموده اند.

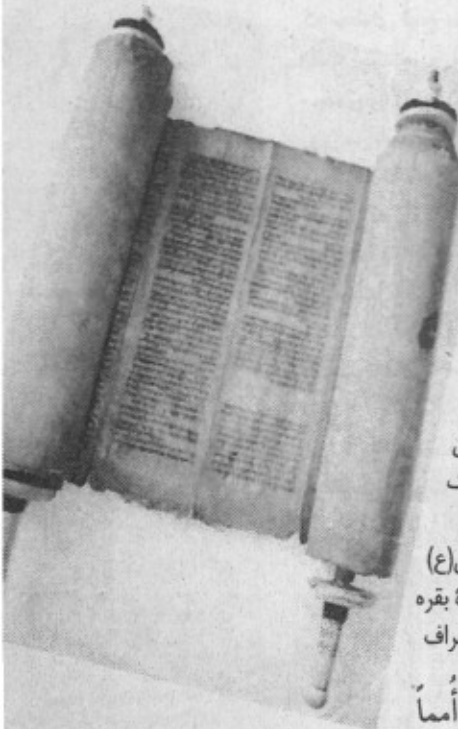
۲. حَجَر (سنگ) حضرت موسی(ع)

امام باقر(ع) فرمود:

چون حضرت قائم در مکه قیام کند و خواهد که
قصد کوفه نماید منادی فریاد کند که کسی خوردنی
و آشامیدنی همراه خود بر ندارد. سنگ حضرت
موسی(ع) که به وزن یک بار شتر است با آن حضرت
است در هر منزلی که فرود آیند چشمه آبی از آن
سنگ بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب
کند و همان سنگ توشه آنهاست تا هنگامی که در
نجف به پشت کوفه فرود آیند. ۱۳

قرآن در خصوص این سنگ در سوره اعراف آیه ۱۶۰
می فرماید:

أوحینا إلی موسی إذ استسقاء قومه أن اضرب
بعصاك الحجر فانبعثت منه اثنتا عشرة عیناً.



این سکینه رایحه‌ای است بهشتی، که به شکل صورت انسانی از صندوق خارج می‌شد و آن صندوق هم اینک نزد ماست.

و همین معنا نیز از سوی حضرت رضاع) بیان شده است. این تابوت الشهاده نیز اکنون نزد امام مهدی(ع) است. پیامبر اکرم(ص) در حدیثی فرموده است:

«صندوق مقدس از دریاچه طبریه به دست وی - امام مهدی(ع) - آشکار می‌شود و آن را آورده، در پیشگاه مقدس او در بیت المقدس قرار می‌دهند و چون یهودیان آن را مشاهده می‌نمایند به جز اندکی، بقیه آنان ایمان می‌آورند».^{۱۶}

۴. پیراهن حضرت یوسف(ع)

مفضل بن عمر می‌گوید، امام صادق(ع) به من فرمود: «می‌دانی پیراهن یوسف(ع) چه بود؟» عرض کردم، نه. فرمود:

چون برای ابراهیم(ع) آتش افروختند، جبریل(ع) جامه‌ای از جامه‌های بهشت برایش آورد، او پوشید و با آن جامه گرما و سرما با ابراهیم زبانی نمی‌رسانید. چون مرگ ابراهیم رسید، آن را در غلافی نهاد و به اسحاق آویخت و اسحاق آن را به یعقوب آویخت و چون یوسف(ع) متولد شد آن را به او آویخت و در بازاری او بود تا امرش به آنجا (زامداری مصر) رسید؛ چون یوسف آن را در مصر از غلاف بیرون آورد، یعقوب بوی خوش آن را دریافت و همین است که گفت: اگر نادانم نمی‌خوانید من بوی یوسف را احساس می‌کنم. و آن همان پیراهنی بود که خدا از بهشت فرستاده بود.^{۱۷}

عرض کردم: قربانت گردم، آن پیراهن به چه کسی رسید؟ فرمود:

به اهلش رسید و هنگامی که قائم ما - امام مهدی(ع) - ظهور کند، یا او خواهد بود. هر پیغمبری که دانش یا چیز دیگری را به ارث گذاشته به آل محمد(ص) رسیده است.

همان طور که در این حدیث طولانی آمده است، امام صادق(ع) حقیقت این پیراهن را بیان فرموده که از کجا آمده و در نهایت به دست اهل بیت(ع) رسیده است. و این پیراهن از جمله موارث انبیا(ع) به شمار می‌آید.

همین یک حدیث در توضیح پیراهن حضرت یوسف(ع) ما را کفایت می‌کند، و این پیراهن هم‌اکنون نزد حضرت امام مهدی(ع) است.

۵. طشت حضرت موسی(ع)، انگشتر حضرت

سلیمان(ع)، شمشیر، پرچم و زره پیامبر اکرم(ص)

تعدادی دیگر از موارث انبیا(ع) نیز وجود دارند که آنها هم هر کدام بنابر حکمت و مصلحتی، نزد امام مهدی(ع) موجود می‌باشند؛ برای روشن شدن مطلب به ذکر یک حدیث مفصل اکتفا می‌کنیم. البته آنچه در کتب تاریخ انبیا و غیره ذکر شده، به سندیت و اعتبار این حدیث نمی‌رسند و آنها نیز برای اعتبار

و اوحینا إلی موسی اذ استسقاء قومه أن اضرب بعضا الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عینا قد علم کل أناس مشربهم و ظللنا علیهم الغم و أنزلنا علیهم المنّ و السّلوی کلوا من طیبّت مارزقنکم و ما ظلمونا و لکن كانوا أنفسهم یظلمون».

و این حجر حضرت موسی(ع) به‌عنوان یکی از ودایع نبوت دست به دست به‌وسیله اوصیای بعد از موسی(ع) به‌دست پیامبر اکرم(ص) رسیده و بعد از ایشان هم به‌دست وصی آن حضرت، علی(ع) تا حال حاضر که نزد خاتم‌الوصیاء، امام مهدی(ع) است.

۳. تابوت الشهاده (تابوت سکینه):

امام صادق(ع) فرمود:

داستان سلاح در خاندان ما، داستان تابوت است در بنی اسرائیل، تابوت در هر خاندانی از بنی اسرائیل که پیدا می‌شد، نبوت به آنها داده می‌شد، هر کس از ما هم که سلاح به دستش رسد امامت به او داده می‌شود.^{۱۵}

نام تابوت سکینه یک بار در سوره بقره، آیه ۲۴۸ ذکر شده است که می‌فرماید:

و پیامبرشان گفت: دلیل و نشانه بر پادشاهی او این است که تابوتی به سوی شما می‌آید که در آن سکینه و آرامشی از ناحیه پروردگارتان وجود دارد و آنچه را که آل موسی و آل هارون باقی گذاشته‌اند و آن تابوت به‌وسیله فرشتگان حمل می‌شود، به راستی در آن معجزه و دلیل برای شماست چنان‌که مؤمن باشید.

تابوت سکینه با نام‌های صندوق عهد، تابوت یهودیان، تابوت مقدس، صندوق تورات، تابوت الشهاده و تابوت بنی اسرائیل نیز ذکر شده است و طبق نوشته‌ها صندوقی بوده که محتوای الواح سنگی احکام ده‌گانه (تورات) در آن قرار داشته است و هروقت قوم بنی اسرائیل حرکت می‌کرد، این صندوق را با حرمت فرلوان در ارباب‌های نهاده، پیشاپیش خود روان می‌داشتند و در جنگ نیز آن را پیشاپیش صفوف قرار می‌دادند تا باعث ثبات قدم و آرامش لشکریان گردد. این صندوق به فرمان حضرت موسی(ع) ساخته شده بود و علاوه بر آن الواح (۲ لوح سنگی)، کاسه‌ای از منّ (غذای آسمانی بنی‌اسرائیل) نیز در آن قرار داده بودند.

تا اینکه فلسطینی‌ها به یهودیان تاختند و بر آنها مسلط شدند و صندوق عهد را از ایشان گرفتند. بعد از آن حضرت داوود(ع) جالوت، پادشاه فلسطینی‌ها را کشت و صندوق را به یهودیان بازگرداند.

تا زمان حضرت سلیمان(ع) این صندوق در معبد قبه الرّمان (که این نام نیز در دعای سمات ذکر شده قرار داشت.

مطالب دیگری در خصوص تابوت سکینه وارد شده است؛ مثلاً در کتاب قرب الاسناد حمیری (ص ۱۶۴) حدیثی از امام موسی بن جعفر(ع) نقل شده که آن حضرت درباره تفسیر

سکینه (فیه سکینه من ربکم...) فرمود:

وقتی که عصای حضرت موسی(ع) و تورات دست به دست به حضرت صادق(ع) رسیده، بعد از ایشان نیز دست به دست به سایر ائمه رسیده تا آنکه به دست مبارک امام مهدی(ع) - که خداوند ظهورش را نزدیک گرداند - رسیده است.

بخشیدن به تواریخ آن به این احادیث استناد می‌نمایند.
امام صادق(ع) فرمودند:

همانا شمشیر رسول خدا(ص)، پرچم و جوشن و زره و خود پیامبر(ص)، پرچم ظفر بخش پیامبر(ص)، الواح موسی و عصای او، انگشتر سلمان بن داوود، طشتی که موسی(ع) قربانی را در آن انجام داد، اسمی که نزد پیامبر(ص) بود و چون آن را میان مسلمانان و کفار می‌گذاشت که از مشرکان به مسلمین نشانه‌ای نرسد و من آن را می‌دانم و هر آنچه را که فرشتگان آورده‌اند نزد من است. داستان سلاح در خاندان ما همان داستان تابوت است در بنی اسرائیل، و بر در هر خانه‌ای که تابوت پیدا می‌شد، نشانه اعطای نبوت بود و سلاح به هر کس از خانواده ما رسید امامت به او داده می‌شود. همانا پدرم، امام باقر(ع)، زره رسول خدا(ص) را پوشید، دامنش اندکی به زمین می‌کشید و من آن را پوشیدم همچنان بود؛ قائم ما، امام مهدی(ع)، کسی است که چون آن را پوشد به اندازه قامتش باشد ان شاء الله.^{۱۸}

این حدیث به‌طور صریح بخشی از ودایع نبوت و موارث انبیسای الهی(ع) را ذکر کرده است و تصریح نموده که همه آنها به دست ائمه رسیده و در نهایت نیز به خدمت امام عصر، حضرت مهدی(ع) می‌رسد.

در حدیث دیگر امام محمد باقر(ع) فرمود:

خداوند بر خلاف وقتی که تعیین کنندگان وقت ظهور امام مهدی(ع) معین کرده‌اند، عمل می‌کند؛ پرچم قائم، همان پرچم رسول خداست که جبرئیل در روز جنگ بدر از آسمان آورد و آن را در میان جنگ به اهتزاز درآورد، آنگاه جبرئیل عرض کرد: ای محمد، به خدا قسم این پرچم، از پنبه و کتان و ابریشم و حریر نیست. پیامبر فرمود: پس از چیست؟ گفت: برگ درخت بهشت است. پیغمبر آن را در جنگ برافراشت، سپس پیچید و به دست علی(ع) داد و پیوسته نزد آن حضرت بود تا اینکه در روز جنگ بصره (جمل) حضرت آن را برافراشته نمود و خدا او را پیروز گردانید؛ آنگاه علی(ع) آن را پیچید و همیشه نزد ما بوده و هست و دیگر هیچ‌کس آن را نمی‌گشاید تا اینکه قائم ما(ع) قیام کند. وقتی قائم قیام نمود، آن را به اهتزاز درمی‌آورد و هر کس در شرق و غرب عالم باشد آن را می‌بیند؛ رعب و ترس از وی یک ماه زودتر. از پیش روی و چپ و راست او رفته و در دل‌ها جای می‌گیرد. آنگاه گفت: ای محمد او به خونخواهی پدرانش قیام می‌کند و سخت خشمگین است و از اینکه خداوند بر این خلق غضب نموده متأسف است. او پیراهن پیامبر(ص) را که در جنگ احد پوشیده بود، به تن دارد و عمامه و زره پیغمبر را که به قامت وی، راست است، می‌پوشد و ذوالفقار، شمشیر پیغمبر را در دست دارد، سپس شمشیر برمی‌کشد و هشت ماه

از کشته‌های بی‌دینان، پشته‌ها می‌سازد.^{۱۹}

دو روایت مذکور دقیقاً روشن می‌نماید که تمامی موارث انبیسای الهی در نهایت به دست با کفایت جان جهان، امام مهدی(ع) می‌رسد.

و حدیث ذیل اثبات می‌کند که تمامی ودایع و وصایای انبیسای الهی(ع) توسط حضرت ابوطالب(ع) به دست پیامبر اکرم(ص) رسیده است.

درست بن ابی منصور نقل می‌کند: از امام هفتم(ع) پرسیدم: آیا رسول خدا(ص) مأمور پیروی از ابوطالب(ع) بود؟ و ابوطالب از طرف خدا بر او حجت بود؟

فرمود: «نه، ولی ابوطالب نگهدار ودایع نبوت بود و وصایا نزد وی سپرده شده، و او آنها را به آن حضرت(ص) داد.»
گفتم: وصایا را به او داد به حساب اینکه حجت بر او (پیغمبر) بود؟ فرمود: «اگر حجت بر او بود وصیت را به او نمی‌داد.»
گفتم: پس ابوطالب حالش چگونه بود؟ فرمود: «به پیغمبر و هر چه آورده بود اقرار کرد و وصایا را به او داد و همان روز درگذشت.»

پی‌نوشت‌ها:

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۸، ترجمه مرحوم آیت‌الله محمد باقر کمره‌ای.
۲. همان، ص ۱۹۲.
۳. همان، ص ۱۹۴.
۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۷، ح ۲، ص ۲۵.
۵. کلینی، همان، ج ۱، ص ۲۲۴.
۶. مجلسی، حیات القلوب، ج ۱، ص ۱۳۲.
۷. کلینی، همان، ص ۳۲۷.
۸. همان.
۹. همان، ص ۳۲۶.
۱۰. همان، ص ۳۲۲.
۱۱. همان، ص ۳۲۵.
۱۲. همان.
۱۳. همان، ص ۳۲۴.
۱۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶ ص ۶.
۱۵. کلینی، همان، ص ۳۲۳.
۱۶. صافی گلپایگانی، منتخب‌الامیر، ص ۳۰۹.
۱۷. سوره یوسف(۱۲)، آیه ۹۴، کلینی، همان، ص ۳۳۶.
۱۸. همان، ص ۳۲۷.
۱۹. کلینی، همان، ج ۲، ص ۲۲۴.

